

فراز و فرود کیفیت آموزش عالی در ایران

محمد یمنی دوزی سرخابی



پژوهش‌های مطالعات فرهنگی، اجتماعی و تمدنی
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
(پمفات)



فراز و فرود کیفیت آموزش عالی در ایران

محمد یمنی دوزی سرخابی (استاد دانشگاه شهید بهشتی)
دبیر مجموعه تأملات صاحب‌نظران ایرانی در باب آموزش عالی: جبار رحمانی
ناشر: پژوهشگاه مطالعات فرهنگی، اجتماعی و تمدنی

ویراستار: قمر تکاوران
طراح جلد و صفحه‌آرا: علی قربی

چاپ اول: بهار ۱۴۰۳

شمارگان: ۴۰۰

قیمت: ۱۹۴۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۲۶-۱۸۱-۸

(الف)

نشانی: تهران، خیابان پاسداران، خیابان شهید مؤمن نژاد (گلستان یکم)، شماره ۱۲۴. تلفن: ۲۲۵۷۰۷۷۷
پست الکترونیکی: publication@iscs.ac.ir وبسایت: www.iscs.ac.ir
کلیه آثار منتشره این پژوهشگاه در جهت ایجاد فضای آزاد علمی و نظر شخصی نویسندگان محترم آن است و لزوماً مورد تأیید پژوهشگاه نیست.

سرشناسه: یمنی دوزی سرخابی، محمد، ۱۳۳۳ - عنوان و نام پدیدآور: فراز و فرود کیفیت آموزش عالی در ایران / محمد یمنی دوزی سرخابی؛ دبیر مجموعه تأملات صاحب‌نظران در باب آموزش عالی جبار رحمانی.
مشخصات نشر: تهران: پژوهشگاه مطالعات فرهنگی، اجتماعی و تمدنی، انتشارات، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری: ۳۸۶ص.: جدول: ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۲۶-۱۸۱-۸
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
یادداشت: کتابنامه: ص. ۳۶۷ - ۳۷۴؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع: آموزش عالی -- ایران: Education, Higher-- Iran -- Evaluation -- ارزیابی -- ارزشیابی
موضوع: دانشگاه‌ها و مدارس عالی -- ایران: Universities and colleges -- Iran -- Evaluation -- ارزیابی
موضوع: کیفیت فراگیر در آموزش عالی -- ایران: Total quality management in higher education -- Iran -- شناسه افزوده: پژوهشگاه مطالعات فرهنگی، اجتماعی و تمدنی. انتشارات
رده‌بندی کنگره: LA ۱۳۵۲
رده‌بندی دیویی: ۳۷۸/۵۵
شماره کتابشناسی ملی: ۹۶۱۰۴۶۶
اطلاعات رکورد کتاب‌شناسی: فیبا

فهرست

۷ دیباچه پژوهشگاه
۱۱ پیشگفتار
۱۷ مقدمه: زمینه نگارش کتاب
۶۱ فصل اول: مسئله ارزیابی کیفیت آموزش عالی
۷۳ فصل دوم: فرمالیسم مانعی برای بهبود کیفیت آموزش عالی
۱۰۳ فصل سوم: کلیت کمیت و کیفیت
۱۱۹ فصل چهارم: دام‌های سلطه عدد و رقم برای کیفیت آموزش عالی
۱۳۵ فصل پنجم: مسئله کیفیت در دانشگاه سازگار شونده
۱۶۳ فصل ششم: تعریف ناپذیری کیفیت آموزش عالی
۱۸۵ فصل هفتم: کیفیت آموزش عالی: حوزه مطالعاتی میان‌رشته‌ای
۱۹۵ فصل هشتم: بازاندیشی در مفهوم دانشگاه در ایران و مسئله کیفیت آن
۲۴۵ فصل نهم: توسعه دانشگاه و کیفیت آن
۲۶۳ فصل دهم: از کیفیت تا کمیت: مروری بر چند تجربه
 فصل یازدهم: کیفیت بی‌نام و اصالت‌بخش برای آموزش عالی ایران: راهی دشوار با
۲۷۹ افق‌های زیبا
۳۴۷ فصل دوازدهم: نتیجه‌گیری
۳۶۷ منابع
۳۷۵ پیوست: تغییرات در برنامه دوره دکترای مشترک آموزش عالی
۳۸۱ نمایه

پیشگفتار

از سال ۱۳۹۱ که کتاب کیفیت در آموزش عالی^۱ منتشر شد وضعیت آموزش عالی و دانشگاه‌ها کم و بیش تغییر کرده است ولی مسئله کیفیت در آن‌ها هنوز به قوت خود باقی است. این امر به جهت پویایی و پیچیدگی موقعیت‌هایی است که مفهوم کیفیت نشانی از آن را می‌دهد. چرا پس از گذشت یک دهه دوباره مسئله کیفیت در آموزش عالی را موضوع کتاب حاضر قرار دادیم؟ مرتبط شدن نگارنده با این موضوع به سه دهه قبل بر می‌گردد یعنی اوایل دهه هفتاد که همایش‌هایی راجع به کیفیت آموزش عالی در دانشگاه شهید بهشتی برگزار شد که نگارنده نیز در کمیته برنامه‌ریزی آن که در معاونت تحصیلات تکمیلی تشکیل می‌شد شرکت داشتم. پرسشی که همواره و از آن موقع در ذهن داشتم این بود که آیا قرار دادن موضوع کیفیت آموزش‌های دانشگاهی در بند شاخص‌هایی که در بستر عدد و رقم قرار دارند می‌تواند به روشنگری در خصوص چیستی و چگونگی کیفیت عملکرد سیستم پیچیده‌ای چون دانشگاه کمکی کند؟ آیا آن‌ها مانع ژرفانگری در فهم مسئله کیفیت آموزش‌ها و پژوهش‌های دانشگاهی نمی‌شود؟ با توجه به پویایی واقعیت‌هایی که فهم کیفیت آن‌ها مورد نظر می‌باشد آیا می‌توان آن‌ها را با رجوع به کمیات (که در زمان و مکان تغییر می‌کنند و بستر نوپدایی‌ها در سیستم‌های دانشگاهی هستند، نوپدایی‌هایی که می‌توانند ظاهر مشابهی داشته باشند ولی ماهیت آن‌ها متفاوت

۱. محمد یمنی: کیفیت در آموزش عالی، سمت ۱۳۹۱. چاپ چهارم ۱۳۹۸

باشند) سنجید؟ آیا ابزاری برای «سنجش» چنین پویایی وجود دارد؟ آیا نباید به جای اصرار بر توسل به عدد و رقم برای چنین کاری، آن‌ها را فهمید؟ فهمی که توضیح هر پدیده‌ای را نسبی می‌کند.

از آنجا که بر اساس نتایج چنین سنجشی تصمیمات مدیریتی راجع به عملکرد سیستم‌های دانشگاهی گرفته می‌شود، آیا ضرورت ندارد که در تأثیرات مهمی که این تصمیمات متکی بر کمیات در کیفیت عملکرد دانشگاه و جریان زندگی دانشگاهی جوانان می‌گذارد تأمل شود؟ در بحث‌هایی که راجع به کیفیت در آموزش عالی در کنفرانس‌های داخلی و خارجی داشتم، با بهره‌گیری از مفهوم پیوستار کیفیت (که آن را از دانیل دوراند^۱ وام گرفته بودم) برای روشن‌تر شدن پویایی این مفهوم و واقعیت‌های که بیان می‌کند تأکید داشتم به این معنا که: کیفیت هر چیزی در پیوستاری که بین حداکثر ابتدال و حداکثر اصالت قرار دارد، قابل بررسی است. البته برای این بررسی می‌توان از شاخص‌ها نیز بهره برد به شرطی که ضرورت تغییرپذیری شاخص‌ها در زمان و مکان را قبول داشته باشیم. تا آنجا که اطلاع دارم روش‌ها و فنون رایج موجود در برنامه‌ریزی آموزش عالی از چنین توانایی برخوردار نیستند. نمی‌توان پویایی کیفیت واقعی که کم و بیش در زمان و به نسبت مکانی (موقعیتی) که در آن تغییر می‌کند با ابزارهایی که توان همراهی با چنین تغییری را در خود ندارند سنجید. آن چه امروزه در مجامع علمی دنیا شاهد هستیم تأکید بر دیالکتیک نظر و عمل در فهم پویایی مسئله کیفیت آموزش‌های دانشگاهی هستیم. نگاه به مفهوم کیفیت تغییر پیدا کرده است به طوری که آن را در بستر دانشگاه به عنوان سیستم ابر پیچیده، آن طور که بارنت مطرح می‌کند^۲، مورد توجه قرار می‌دهند.

۱. دوران دانیل: نظریه سیستم‌ها (ترجمه محمد یمنی) انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۰، چاپ سوم ۱۳۹۴.

۲. رونالد بارنت: دانشگاه بوم شناختی؛ ترجمه سینا باستانی و جبار رحمانی؛ پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۹۹.

بنابراین بر ضرورت و فوریت تغییر در رویکردی که از مفهوم کیفیت در دانشگاه‌های کشور وجود دارد به عنوان یک مسیر راهگشا تأکید می‌کنیم؛ رویکردی که «کمیت را از کیفیت و با کیفیت را از بی‌کیفیت» جدا نکند. هر پدیده‌ای یا سیستمی در همه حال تا زمانی که زنده است برخوردار از کیفیت است ولی در پیوستار کیفیت در نوسان می‌باشد به این معنا که اصالت می‌تواند در جهت ابتدال نزول پیدا کند و ابتدال می‌تواند در مسیر اصالت و فضیلت قرار گیرد: اعتلای کیفیت عملکرد هر دانشگاهی در گرو فهم در هم تنیدگی کل با جزء و جزء با کل در سیستم دانشگاه می‌باشد که آن را قبلاً با شیوه‌ی مدیریت دانشگاهی رأس به قاعده - قاعده به رأس بحث کرده‌ایم^۱. بر این اساس بود که تعریف‌ناپذیری کیفیت سیستم‌های دانشگاهی در کتاب کیفیت در آموزش عالی مطرح کردیم به این معنا که: «شناخت عملکرد سیستم‌های دانشگاهی (فعالیت‌ها و نتایج حاصل از آن‌ها) از طریق فهم یگانگی صورت دوگانه آن - کمیت و کیفیت - ممکن است؛ که هر دو نشان از یک واقعیت پیچیده رفتار سیستم دانشگاه دارند. پدیده‌های متنوع آموزشی، پژوهشی، فرهنگی، اجتماعی و... در دانشگاه‌ها، با کیفیت‌های پویای منحصر به فردی که در زمان و مکان دارند، در چنین میدان پیچیده‌ای زاده، جریان دارند و از بین می‌روند.» ابزارهای تعیین و سنجش کیفیت آنها بدون توجه به این تنوع (بخوانیم پیچیده‌گی) به شناختی سطحی از آن می‌انجامد و توهمی از «شناخت قطعی» از آن بوجود می‌آورد... تعریف از پیش تعیین شده‌ی کیفیت بر اساس معیارها و شاخص‌های «معین» و از قبل ساخته شده، با پویایی سیستم‌های دانشگاهی در تضاد بوده و مانع بزرگی برای بروز خلاقیت‌ها و نوآوری‌های آموزشی، پژوهشی و خدماتی در آنها می‌شود.

۱. محمد یمنی: برنامه‌ریزی توسعه آموزش عالی؛ رویکردی کاهنده، موقعیتی پیچیده؛ انتشارات سمت ۱۳۹۷. چاپ دوم ۱۳۹۸. فصول چهارم و هشتم.

تغییر نگاه به مفهوم کیفیت در پیوستار مربوطه، لازم است با تغییر در رویکردهای موجود برای بررسی آن همراه باشد به این معنی که نمی‌توان با اتکا به یک رشته تخصصی آن را فهمید، فهمی که در هر حال نسبی خواهد بود. در این راستا با موضوع پیوند رشته‌های مختلف در علوم تربیتی، علوم اجتماعی، روانشناسی و رشته‌هایی که می‌توانند به فهم ژرفتر سیستم‌های پیچیده‌ی دانشگاهی کمک کنند، مواجه می‌شویم؛ پیوندی که مارسل بول دو بال^۱ فیلسوف بلژیکی آن را بسط داده است. در این راستا بود که توجه خود را به پدագوژی دانشگاهی، که چنین پیوندی را ممکن می‌سازد، معطوف کردیم مفهومی که از بیش از دو دهه قبل در کنفرانس‌های بین‌المللی مربوطه در کشورهای مختلف اروپایی و آفریقایی در آن‌ها شرکت داشته‌ام. با آن آشنا شده بودم که در کتاب کیفیت در آموزش عالی به اختصار به آن پرداخته بودم. ولی به نظرم لازم بود بیشتر در خصوص آن و کمکی که به چنین پیوندی می‌تواند داشته باشد پردازم. چنین نیازی سبب شد که موضوع مطالعه خود را در فرصت مطالعاتی که در سال ۱۳۹۸ داشتم به آن اختصاص دهم که حاصل آن کتاب پدագوژی دانشگاهی: دیالکتیک نظر و عمل^۲ بود که در سال ۱۴۰۰ منتشر شد. پدագوژی دانشگاهی حوزه‌ی دانشی میان رشته‌ای است که به دنبال فهم پویایی موقعیت‌های پیچیده‌ی یادگیری در سیستم‌های دانشگاهی است. دانش ترکیبی که با گریز از رشته‌نگری تخصصی افراطی و بدون ارتباط با رشته‌های تخصصی دیگر، فعالیت کنشگران دانشگاه و موقعیت‌های پیچیده آموزشی را در بستر نظم و بی‌نظمی موجود در آنها بررسی می‌کند: پدագوژی دانشگاهی «چتری» می‌شود که رشته‌های مختلف علوم تربیتی و دیگر رشته‌های مرتبط را از حصار

1. De Bal, Marcel Bolle 2003, Reliance, Deliance, alliance; emergence de trois notions sociologiques. In: Societes, 920pp; 99131.

۲. محمد یمنی: پدագوژی دانشگاهی: دیالکتیک نظر و عمل. مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی. ۱۴۰۰.

تخصص‌گرایی افراطی که در آموزش عالی ما در آن گرفتار شده‌اند بیرون می‌آورد و بر اهمیت تعامل آنها با یکدیگر، در فهم عملکرد سیستم‌های دانشگاهی و کیفیت آنها تأکید دارد.

ولی هنوز مسئله کیفیت عملکرد سیستم‌های دانشگاهی ذهن نگارنده را مشغول کرده بود. به این معنا که چگونه می‌توان افت کیفیت در آموزش عالی را، که مطالعات مختلف کم و بیش در آموزش عالی ایران نشان از آن دارند، بهبود بخشید؟ به نظر ما نگاه به گذشته دانشگاه‌ها و بویژه انسان‌های تأثیرگذار در پیشرفت‌های آن می‌تواند کمک‌های بزرگ و راهگشایی داشته باشد. در فعالیت‌های استادان تأثیرگذار در حوزه‌های دانشی مختلف در دانشگاه‌های کشور در طول تاریخ آموزش عالی معاصر کشور آنچه بدون استثنا مشاهده می‌شود پیوند بین چهار عنصر ذوق، علم، هنر و اخلاق در نزد استادان بزرگ دانشگاه‌های ریشه‌دار کشور می‌باشد. این چنین بود که در مسیر تأمل در فراز و فرود کیفیت در آموزش عالی کشور قرار گرفتیم. بررسی و مطالعه‌ای بی‌ادعا ولی متکی به بزرگانی که چراغ علم و معرفت و فضیلت را در طول زمان در آموزش عالی کشور روشن نگاه داشتند که درس‌هایی گران‌بها، برای معلمان و کارکنان دانشگاه‌ها و بویژه برای مسئولان آموزش عالی کشور در سطوح مختلف برای چگونگی نوسان کیفیت آموزش‌های دانشگاهی دارد.

استاد محمدعلی اسلامی ندوشن در مقاله‌ای ارزشمند با عنوان «برخورد کهنه و نو در ادبیات» در مجله ادبیات و علوم انسانی در سال ۱۳۵۴، در یادنامه‌ای برای استاد استادان^۱ بدیع‌الزمان فروزانفر، با ارایه‌ی این تعریف از فرهنگ گذشته ایران که پیوسته نوشونده و همواره پاینده به اصل می‌باشد به این پرسش مهم می‌پردازد که چرا نسل جوان و از جمله دانشجوی، به ادبیات گذشته

۱. شروع می‌کند دکتر حسین بهزاد اندوهجودی در مقاله آغازین یادنامه فوق سخن خود را با این کلمات در وصف استاد فروزانفر

کم اعتناست؟ پاسخ استاد ندوشن این گونه است: «در امر تدریس باید یک پل عاطفی و احساسی بین معلم و شاگرد بسته شود و شخصیت معلم، شخصیت تخسیرکننده‌ای باشد تا حرفی که از دهانش بیرون می‌آید در شنونده نفوذ کند. این اصل در همه دروس صادق است و در مورد مسائل نظری، چون فلسفه و ادبیات و تاریخ بیشتر...» و سپس ایشان «با تأکید بر ایجاد تعادل بین علم و ادب و ضرورت سنتزی بین کهنه و نو، از زبان دانشجویانی که سرزنش می‌شوند که به ادبیات اصیل رغبتی ندارند و قدر این میراث گران‌بها را نمی‌دانند خطاب به معلمین و مسئولین دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها این بیت از حافظ را می‌آورد که:

من اگر خارم و گر گل، چمن‌آرایی هست

که از آن دست که می‌پروردم، می‌رویم.^۱»

(محمد علی اسلامی ندوشن صص ۱۰۳-۱۱۱)^۲

که درسی مهم برای مدیران آموزش عالی و دانشگاه‌ها و معلمان آنها دارد.

محمد یمنی دوزی سرخابی

اردیبهشت ۱۴۰۳

* لازم می‌دانم از پژوهشگاه مطالعات فرهنگی، اجتماعی و تمدنی و نیز از رئیس اداره انتشارات سرکار خانم مینا عظیمی و دیگر همکاران محترم ایشان که بر چاپ و انتشار این کتاب همت گماردند، صمیمانه سپاسگزاری کنم.

۱. تأکیدات در متن از نگارنده است. این مصرع دوم بیت در برخی نسخ به صورت زیر آمده است: که از آن دست که او می‌کشدم می‌رویم.

۲. محمد علی اسلامی ندوشن ۱۳۵۴، برخورد کهنه و نو در ادبیات، «به یاد استاد بدیع الزمان فروزانفر» زیر نظر محمد حسن گنجی و حسین بهزادی اندوهجردی؛ مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران؛ شماره پی در پی ۸۹؛ شماره ۱ سال ۲۲؛ ۱۳۵۴.